

خبر های داغ و نظرات سوزنده

دیروز با دوستی در سکایپ صحبت میکردم و با هم درد دل داشتیم و از هر دری سخنی بود. آن دوست که خود به شدت سرما خورده بود و ناخوش بود، از سر لطف به روی خود نیآورد و صحبت ها همچنان ادامه داشت، یکی او مینوشت و یکی هم من و این صحبت ها و گفتگوی دوستانه، خواهی خواهی آهسته آهسته به سیاست کشید. فکر کردم که حال دیگر باید باهمدیگر از طریق همین اسکایپ که خانه اش آباد باد، تلفونی صحبت کنیم تا بهتر نظرات خود را مطرح نمایم و.....، اما او برایم نوشت که صحبت کردن برایش ناممکن است، چون سرما خوردگی برای وی مجال صحبت را نمی دهد و همان بود که باوجود مریضی لحظاتی را به اصطلاح سیاست کردیم.

خبر داغ روز برطرفی جنرال مک کرسنل قوماندان عمومی قوای امریکائی در افغانستان و تعیین جنرال دیوید پترئوس به جای او، از طرف رئیس جمهور براک اوباما بود.

گفتم: در مورد برطرفی مک کریستال و تقرر جنرال جدید چه فکر میکنی؟

گفت: من این خبر را در افغان جرمن آنلاين خواندم اما در اخبار خارجی چیزی نبود.

گفتم: جنرال دیوید پترئوس بجای وی مقرر شده است. در بی بی سی گزارش داده شده است.

گفت: والله من که خبر را دیدم، رفتم ببینم در سی ان ان چی گپ است. اگر این گپ شده به نظر من برای بهبود کار است.

اوباما گفته است: "ما داخل گفت و گو استیم و البته که قوماندان کرسنل باید به سوالاتی جواب بگوید ولی انتشار یک خبر مبنی به برطرفی او تا به حال بی اساس و غیر مسؤله است". همچنان نطق قصر سفید ضمن رد این خبر گفت که آنها داخل گفتگو هستند و پیشداوری در این مورد درست نیست. البته این خبر دیشب بود.

گفتم: اما کرزی از این کار بسیار ناراحت است و از اوباما تلفونی خواهش کرد که این کار را نکند. مگر او گپ کرزی را برابر ملی هم ارزش نداد.

گفت: ها ها ها ها ...

کرزی خودش بری پر کدن چوکی چند وزارت در مانده و حالا میخواهد مامورین امریکائی را تعیین کند؟

راستی لست وزرای پیشنهادی ره دیدی؟ ... به گمان اغلب باز یک پروپاگند شورای نظاری است.

گفتم: کرزی و رفقا با مک کریستل گوشت و ناخن بودند و فکر میکنم در خورد و برد ها باهم شریک بودند.

گفت: خدا کنه اینطور باشه... این دگه تنگ کرزی را سست خات کد.

گفتم: قرار اینکه گفته می شود تا شش ماه دیگر غم کرزی را هم خواهند خورد... خدا کند درست باشد.

گفت: امید است..... اما اگر مه غلط کاری های امریکا ره میبینم، بنام دیموکراسی دسته گل دیگری به آب خات دادن و خات گفتن که کرزی خو برطرف ولی مطابق به قانون اساسی افغانستان، معاون اولش باید جایش را بگیرد. باز بیا و پوره کو.....

گفتم: اگر پیش بینی حقیقت شود، در آنصورت امریکا غم فهیم و خلیلی را هم خواهد خورد چون هردو به ساز ایران

میرقصند و این برای امریکا پذیرفتنی نیست.

گفت: خدا کنه.....

مگر الترنا تیف کی است؟..... مه خو هیچ کسه نمیبینم..... اشرف جان و علی احمد جان هم امتحان خوده دادن.....

گفتم: به فکر من امریکا فردی را انتخاب خواهد کرد که مانند حامد کرزی گمنام بوده و گوش بفرمان باشد.

گفت: به نظرت کاملاً موافق هستم، به شرطی که این آدم گمنام هم کرده داشته باشه و هم منافع افغانستان را بر منافع

خارجی ارجحیت بته... کسی ره که این مشخصاته داشته باشه، هر کس باشه قابل قبول است.... د یگه چاره نیست.

گفتم: کاش چنان شود. اما ما را عجب آید.

گفت: ها ها ها ... یعنی که کو مرد....

گفتم: آنکه مرد باشد، نوکری نمی کند.

گفت: در این شکی نیست که امریکا یک نوکر میخواهد، اما تنها و تنها یک شخص وطنپرست میتانه برایشان

بفهمانه که به او باید به چشم یک همکار دیده شود نه یک گودی کوککی. و از منافع کشور خود مر دانه وار دفاع

کند... و فرق بین یک نوکر و یک مرد هم در همین است.

از کرزی تا به حال هیچ چیز بوور نشده و نجات شد، او فقط در فکر آینده میرویس جان و فکر امروز ولی جان و دار و دسته و باند و داره اش است و بس و در نوکری و مداری گری هم دست همه ره از پشت بسته است. گفتیم: امید است مقامات امریکائی همین حقیقت را درک کرده باشند.

گفت: والله مه خوشک دارم...

همه میدانیم که تمام تصامیم امریکا صد فی صد امریکائی است، این ها در تیم کاری خود حتی یک افغان نخبه ندارند که بیطرفانه و صادقانه برایشان مشوره های لازم را بدهد. همان آش و ...

و امید که پیش از برطرفی کرزی امریکائی ها به این نقیصه پی ببرن امریکا باید بداند که افغانستان، آلمان بعد از جنگ و یا جاپان نیست....

گفتم: من هم همینطور، اما نباید امید را از دست داد. بخصوص حالا که ذخایر زیر زمینی افغانستان چشمان شان را گرفته است. در صورت ادامه جنگ، امریکا هیچ چیزی از آن بدست نخواهد آورد و اما در صورت دوستی و همکاری متقابل بیشترین آن نصیب امریکا و متحدین آن خواهد شد.

گفت: بالکل... امریکا خواهی خواهی منافی در وطن مه و شما دارد و ایلا دادنی هم نیستند. پس صرف یک دولت مردمی میتا نه که از این موقعیت حد اکثر استفاده را ببرد.

گفت: این بهترین و داغ ترین موضوع روز است. بیا که اینرا نشر کنیم. همین حالا هم دیر نشده. ماهی را هر وقت از آب بیگیری تازه است. مگر این ماهی تازه ترین است.

گفتم: بسم الله چرا نی...

صحبت که به اینجا رسید، دوست ما مجبور شد تا بصورت عاجل به داکتر مراجعه نماید و غلی کده از اسکایپ رفت و صحبت ها تا تمام ماند.